



نقش ارتباط خانواده و مدرسه در پیشبرد اهداف تربیتی و آموزشی

عبدالرضا سیلاوی

کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی (علوم قرآن و حدیث)، دانشگاه پیام نور سوسنگرد

Rezasilawy18@gmail.com

۰۹۱۶۷۴۶۳۷۷۰

چکیده:

والدین به عنوان آموزگاران، الفبای چگونه زیستن و چگونه بودن را به فرزندان می آموزند و در کنار خانواده مدارس اساسی ترین نقش را در انتقال ارزش های حاکم بر جامعه به دانش آموزان برعهده دارند. این تحقیق با هدف بررسی نقش ارتباط خانواده و مدرسه در پیشبرد اهداف تربیتی و آموزشی و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. یافته های تحقیق حاکی از آن است مدارس اصلی ترین نهاد تعلیم و تربیت قلمداد می گردند و عملکرد موفق این نهاد بدون حضور پررنگ و مشارکت همه جانبه والدین قابل تحقق نمی باشد بنابراین ارتباط موثر و مستمر خانه و مدرسه به عنوان یک عامل راهبردی و اثرگذار در پیشرفت تحصیلی و ارتقای کیفیت تربیتی دانش آموزان موثر می باشد.

واژگان کلیدی: خانواده، مدرسه، تربیت، آموزش



مقدمه :

« مسأله تربیت ، مسأله حیات و ممات ملت هاست ، بنای آن در خانواده آغاز می شود و جامعه و مدرسه تکمیل می گردد. طفل این موجود فرشته گونه موضوع تربیت و امانت داری از خدا در دست والدین و مردم است. خداوند او را مورد آزمایش و فتنه ای برای والدین قرار داده تا بر آن ها معلوم گردد به چه حد میزان لایق امانت داری خداوندند و چگونه از تعلیم او برای اداره و صیانت این امانت استفاده می کنند. » (قائمی ، ۱۳۷۵) خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی ضامن سلامت ، سعادت و تعالی جامعه می باشد. به بیان دیگر خانه و خانواده بنیان گذار اصلی شخصیت کودک به شمار می رود. خانواده نخستین پرورشگاه و آموزشگاه هر جامعه است.

در کنار خانواده مدارس اساسی ترین نقش را در انتقال ارزش های حاکم بر جامعه به کودکان برعهده دارند .مسئولیت ایجاد نگرش مثبت و سازنده در دانش آموزان نسبت به ارزش های تربیتی و تحصیلی و پایبند ساختن آنها به رفتارهای مطلوب و پسندیده بر عهده اولیای آموزش و پرورش کشور است، بنابراین ارتباط موثر و مستمر خانه و مدرسه به عنوان یک عامل راهبردی و اثرگذار در پیشرفت تحصیلی و ارتقای کیفیت تربیتی دانش آموزان می باشد، خانه و مدرسه باید از روشها و تفکرات همسوی یکدیگر باشند و دانش آموزان زمانی می توانند مسیری مناسب و ثمربخش را طی کنند که قرار گرفتن آنها در محیط خانه و مدرسه برای یک هدف و مقصد باشد زیرا خانه و مدرسه مشابه و مکمل یکدیگر هستند و رابطه خانه و مدرسه همچون جسم و جان در هم تنیده شده است به طوریکه هرگونه سستی و ضعف در هر یک از آنها به سختی بر دیگری تاثیر میگذارد و برعکس سلامت روانی و اجتماعی هر کدام تضمین کننده سلامت وجود دیگری است . (رحمت زهی و همکاران ، ۱۳۹۸)

در مدارس پیشرفته و در جوامع که تعلیم و تربیت آنها پیشرواست ،هر دو نهاد خانه و مدرسه از لزوم ارتباط و همکاری طرفین هم آگاه هستند و هم برآن عامل می باشند، بنابراین مسئله تربیت بین این دو نهاد تربیتی سامان می یابد در برخی جوامع همکاری و ارتباط به صورت ناقص و نامتوازن و غیرهدفمند دنبال می شود . (ایلینگورث ، ۱۳۷۲) موفقیت، برنامه های همکاری بین خانه و مدرسه را به عوامل مختلف وابسته معرفی کرده، که مهمترین آن جلب مشارکت و ارتباط اولیای دانش آموز برای مراسم و فعالیت های مختلف و نه فقط برای شرکت در انجمن اولیا و مربیان است، بلکه به منظور ارتباط موثر بین خانه و مدرسه، به طور مثال اولیاء را می توان در فعالیت های متنوعی شرکت داد . طبیعتا برنامه های موثر همکاری خانه و مدرسه برای سطوح مختلف تحصیلی متفاوت می باشد .

« مشارکت اولیاء در امور مدرسه شامل طیف وسیعی از امور مختلف است مانند مشارکت در عرصه های آموزشی، انضباطی، مالی، فرهنگی و اجتماعی. » (Gonzalez et al. 2005) « این دو گروه سعی می کنند به کودکان و نوجوانان کمک کنند تا از تعلیم و تربیت صحیح برخوردار شوند، نسبت به جامعه بی تفاوت نباشند و از نظر اخلاقی احساس مسئولیت نمایند .اما تاکنون خانه و مدرسه نتوانسته اند همکاری موفقی با یکدیگر داشته باشند تا بتوانند به این اهداف والای انسانی دست یابند .در واقع مشارکت اولیاء در امر آموزش کودکانشان یکی از مباحث مهم آموزشی بشمار می آید. » (Jeynes, 2003) محققین امور آموزشی همواره از یک سو در پی یافتن عوامل اثرگذار بر مشارکت اولیاء و از سوی دیگر مشخص نمودن تغییراتی که پس از مشارکت اولیاء در امر آموزش بوجود می آیند، می باشند. چنانچه اولیا دانش آموزان و مربیان مدارس با یکدیگر در زمینه ی تعلیم و تربیت فرزندان این مرز و بوم گام بردارند حاصل این تعامل ، نسلی تربیت شده و آماده خدمت به آینده کشور اسلامی می گردد.

تقی زاده (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی نقش اولیا در پیشبرد اهداف آموزش و پرورش کودکان در مقطع ابتدایی پرداخته و نشان داد « تعلیم و تربیت از مهمترین و اساسی ترین اموری است که در زندگی بشر دارای نقش بسیار موثر می باشد. فرزندان ما زمانی از تعلیم و تربیت موفق برخوردار می شوند که بین عوامل مختلف آن، مشارکت و همکاری همه جانبه وجود داشته باشد. بدون شک در بین عوامل



تعلیم و تربیت، نقش خانه و مدرسه از بقیه تعیین کننده تر است. اولیا و مربیان به عنوان سرمداران دو نهاد خانواده و مدرسه، پایه گذار شخصیت و رفتار دانش آموزان به حساب می آیند و همکاری و مشارکت آنها سبب رشد و شکوفایی افرادی اندیشمند و موثر در جامعه می شود. معمولاً اولیایی که به فرزندان خود و کارهای آنان توجه بیشتر دارند و با نظارت بر فعالیتهای آنها و اختصاص دادن زمان و امکانات لازم، حمایت خود را در خانه و مدرسه نسبت به فرزندشان مبذول می دارند فرزندانی موفق را در آینده خواهند داشت. »

یافته های تحقیق بام و همکاران (۱۳۹۷) در تحلیلی بر نقش ارتباط خانواده و مدرسه در پیشبرد اهداف آموزشی و پیشگیری از مشکلات تربیتی و تحصیلی دانش آموزان نشان داد « هردانش آموزی با دیپلم یا بدون دیپلم برای داشتن یک زندگی موفق به تعلیم و تربیت مبتنی بر قابلیت نیاز دارد. رفتار معلم می تواند کیفیت محیط یادگیری را کاهش دهد. شیوه ی آموزش هر چه باشد، مهم ترین مسئله فضا و روح کلاس است. از عوامل ارتقاء کیفیت رابطه ی معلم و دانش آموزان و کیفیت آموزشی، کاهش شکل های مختلف تبیض در محیط مدرسه و پذیرش هر کودک منحصر به خود است. از آن جا که دانش آموزان آینده سازان یک مملکت یا کشور هستند و می توانند کشور را به سمت توسعه و پیشرفت جلو ببرند توجه کردن به نیازهای آنان امری بسیار واجب است. معلم می تواند با ایجاد فضای امن آموزشی بسترهای لازم را پایه گذاری کند و از تنبیه بدنی و جسمانی نهایت پرهیز کند. با تشویق های مداوم دانش آموز را ترغیب و تحریک نماید و او را از مشکلات تربیتی و تحصیلی دور کند. البته امر تربیت کاملاً بر عهده مدرسه و معلم نیست بلکه والدین نیز در این امر شریک هستند و این دو عامل باید باهم بصورت تلفیقی همکاری نمایند. »

رحمت زهی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود به بررسی نقش ارتباط خانواده و مدرسه در پیشبرد اهداف آموزشی و پیشگیری از مشکلات تربیتی و تحصیلی پرداخته اند. نتیجه تجربی این پژوهش نشان داد که « توجه به اهمیت ارتباط و نقش محوری خانواده و مدرسه در تعلیم و تربیت فرزندان، همکاری، هماهنگی و انسجام بین این دو نهاد مهم آموزشی ضرورتی اجتناب ناپذیر است. بدیهی است که در پرتو این همدلی و همسویی بسیاری از مشکلات و تنگناهای نظام تعلیم و تربیت حل شده و زمینه برای کاهش بسیاری از آسیب ها و انحرافات اجتماعی و مقابله با آنها فراهم می گردد، سلامت و تعادل برای نظام اجتماعی به دست می آید و برنامه های آموزشی و پرورشی از کارایی و اثر بخشی بیشتری برخوردار خواهند بود. »

نتایج پژوهش محسنی و همکاران (۱۴۰۰) در بررسی ارائه مدل ارتقاء تعامل مدرسه و خانواده در پیشگیری از سوء رفتارهای اجتماعی نوجوانان (از دیدگاه معلمان و مدیران مدارس شهر تهران نشان داد « هنگامی که والدین در آموزش فرزندشان شرکت کنند، نگرشها، رفتارها و وضعیت تحصیلی دانشآموزان تقویت می گردد و باعث دور شدن نوجوانان از رفتارهای ناپهتجار اجتماعی میشود. با توجه به این نتایج به سازمان آموزش و پرورش پیشنهاد میشود با تخصیص بودجه و منابع کافی جهت فعالیتهای نوجوانان در مدرسه اقدام نموده و تلاش نماید تا در مدارس با ایجاد کلاسهای جانبی و فضای آموزشی خوب بتوانند در تعامل بیشتر خانوادهها و نوجوانان با مدرسه کمک نمایند. »

روش شناسی:

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش ارتباط خانواده و مدرسه در پیشبرد اهداف تربیتی و آموزشی به شیوه توصیفی و از نوع کتابخانه ای انجام شده است و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی از قبیل کتب، مقالات و پایان نامه ها می باشد.



بحث درباره یافته‌ها

آموزش و پرورش به عنوان تعالی بخش جامعه اسلامی و متولی فرایند تعلیم و تربیت، آینده فرد و جامعه را در دوره کودکی که زمان شکل‌گیری شخصیت و ایجاد عادات مختلف است، با مشارکت خانواده‌ها بنا می‌نهد و مسیر حرکت کشور را مشخص می‌سازد. هدف نهایی از تعلیم و تربیت کودکان که سرمایه‌های ارزشمند و آینده‌سازان جامعه هستند، دستیابی به آموزه‌های علمی، مکارم و سجایای اخلاقی، تزکیه و حرکت در صراط مستقیم در جهت وصول به مقام بندگی خداوند متعال با استفاده از زمینه‌های فطری انسان است. دو رکن مهم و اساسی این پیشرفت و تعالی کانون‌های با صفا و با هدف خانواده و مدرسه هستند.

کودک در اولین گام ورود به اجتماع و زندگی جمعی، گام به مدرسه می‌گذارد و رشد شخصیتی و فکری او که در خانه شکل گرفته، در مدرسه تکمیل شده و قوام می‌یابد. به راستی که نقش مدرسه در تربیت کودک بسیار حیاتی است و به همین دلیل است که باید اولیا و معلمان در پرورش کودک، یکدیگر را یاری رسانند.

اهمیت خانواده در تعلیم و تربیت

اندیشمندان حوزه علوم تربیتی، یکی از مهمترین نهادهای مؤثر در تربیت و رفتار انسان‌ها را نهاد خانواده معرفی می‌کنند. آنها معتقدند که خانواده اولین و بادوام‌ترین عامل در تکوین شخصیت کودکان و زمینه‌ساز رشد جسمی، اخلاقی و اجتماعی و منبع اصلی انتقال آموزه‌ها، رفتارها و عادات به دانش‌آموزان است و در حقیقت سرنوشت کودکان بستگی به شرایط و نحوه‌ی عملکرد خانواده‌ها دارد.

خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی که یک فرد در آن پا به عرصه زندگی گذاشته از اهمیت فراوانی برخوردار است. محبت، صداقت، صمیمیت، ایمان، اتحاد و عشق به خویها از جمله سجایایی هستند که از سوی خانواده‌ها به فرزندان ارزانی می‌شوند. همچنین نهاد خانواده از جمله عمومی‌ترین نهادهای اجتماعی است که به عنوان تکیه‌گاه و محور زندگی به حساب می‌آید. در حقیقت فرد در خانواده متولد می‌گردد و در سازمان خانواده زندگی می‌کند و در مواقع نیاز، به خانواده روی می‌آورد و در سایه زندگی خانوادگی به آرامش می‌رسد و به همین دلیل است که گفته می‌شود خانواده سالم زمینه‌ساز جامعه سالم است. (تقی زاده، ۱۳۹۵)

سه کارکرد اساسی خانواده عبارت است از:

۱- ارضای نیازهای عاطفی و روانی مرد و زن

۲- تداوم نسل انسانی

۳- پرورش و اجتماعی کردن فرزندان

یکی از کارکردهای خانواده علاوه بر تولید نسل، کارکرد تعلیم و تربیت است. والدین به عنوان نخستین آموزشگران، اساسی‌ترین فعالیت‌ها نظیر راه رفتن، سخن گفتن، یادگیری لغات، ابزارهای اندیشیدن، روابط با اشیا و اشخاص، قضاوت درباره خوبی‌ها و بدی‌ها و... را در خانه به کودکان می‌آموزند. امروز به جرات می‌توان گفت آینده هر کودکی به میزان دانایی و توانایی اولیا و مربیان یک جامعه بستگی دارد. هر جامعه‌ای که والدین توانمند و مربیان کارآمد دارد انسان‌های فرهیخته‌ای را به جامعه عرضه می‌کند که باعث تعالی جامعه می‌گردد. شرکای آموزشی خانواده در جریان تعلیم و تربیت با مدرسه شریک می‌شود تا به عنوان یک «بال» با هم‌افزایی و مشارکت مدرسه



کمک کند تا فرزندان داناتر و تواناتر شوند و بتوانند در جامعه زندگی کرده و یک قدم بیشتر به خدا نزدیکتر شوند. اولیا و مربیان شریک آموزشی محسوب می شوند. والدین به عنوان اولین مربیان فرزندان بیشترین تاثیر را از نظر عاطفی، روانی، فکری و... روی فرزندان دارند. (صفری، ۱۳۹۲)

خانواده سالم فرزند سالمی را روانه مدرسه می کند و مدرسه سالم با داناسازی و معرفت بخشی به دانش آموزان آنها را تواناتر کرده و انسان های کارآمدی را به جامعه تحویل می دهد. جامعه ای که طالب انسان های کارآمد است بیشترین نگاه خود را ابتدا به خانه و سپس به خانه و مدرسه دوخته است. به نظر اکثر محققان شخصیت کودک در خانه ساخته می شود. جامعه به عنوان یکی از مشتریان اصلی نظام آموزشی تلاش می کند حتی قبل از تولد فرزندان، در خانواده ها، در نحوه ازدواج و گزینش همسر با آموزش دختران و پسران جوان دخالت کرده و برای فرزندان آتی جامعه از هم اکنون پدران و مادران کارآمدی تربیت کند. جامعه اسلامی به دنبال خانواده موفق است که انسان های به تعالی رسیده را به جامعه تحویل دهد.

از آنجا که دانش آموزان در میان اعضای خانواده زندگی می کنند و خانواده نیز تعلق به اجتماع داشته و به عنوان یک نهاد اجتماعی محسوب می شود لذا در صورت نبود همسویی میان ویژگی های خانواده با ویژگی های کلی اجتماع که مدرسه نیز جزئی از آن است مشکلاتی در زمینه تعلیم و تربیت دانش آموزان به وجود می آید. بنابراین در صورتی اهداف عالی آموزش و پرورش تحقق می یابد که هماهنگی با مهمترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده بوجود آید.

در چند دهه اخیر، همکاری اولیای دانش آموزان با آموزش و پرورش به علت تغییراتی که در ارزش ها و روش های زندگی در جوامع پدید آمده است بیش از پیش محرز شده است. نقش مدارس در آموزش و پرورش امروزی علاوه بر انتقال علم و دانش رشد عاطفی، اجتماعی و شخصیتی نیز می باشد و هر چند که «وظیفه اول معلم شفقت است بر متعلمان و ایشان را به مثابه فرزند داشتن» (عطاران، ۱۳۶۶، ص ۲۲) ولی همین معلم باید برای دانش آموز علاوه بر معلم بودن، یک دوست، مشاور و هدایتگر باشد. هدایتگری که بتواند با درک شرایط متفاوت و دشوار خانواده ها پاسخگوی انتظارات آموزشی و پرورشی دانش آموزان باشد.

معمولا خانواده هایی که به فرزندان خود و کارهای آنان توجه بیشتر دارند و با نظارت بر فعالیتهای آنها و اختصاص زمان و امکانات لازم حمایت خود را نسبت به فرزندشان مبذول می دارند فرزندان موفق را در مدرسه خواهند داشت. به عبارتی دانش آموزان موفق از وجود اولیایی بهره می گیرند که علاوه بر عنایت به فرزند خود، از قابلیت ها و مهارت های ضروری برای ایفای نقش سرپرست بودن خود نیز بهره مند هستند.

با مرور پژوهش های صورت گرفته در زمینه تحصیلی به این مهم پی می بریم که «خانواده نقشی بی بدیل در پیشرفت تحصیلی فرزندان دارد. اکثر قریب به اتفاق پژوهش ها از خانواده به عنوان عاملی بسیار مهم در وضعیت تحصیلی فرزندان یاد کرده اند. از طرف دیگر، نهاد آموزش و پرورش برای تحکیم آموخته ها و تربیت دانش آموزان با انگیزه، به همکاری و مشارکت خانواده نیاز دارد. والدین با به کارگیری راهکارهایی که در ادامه به معرفی آنها می پردازیم، می توانند نقش مؤثری در افزایش انگیزه فرزندان خود به تحصیل و پیشرفت تحصیلی آنها ایفا کنند.» (آربری، ۱۳۹۹)



آثار تربیتی و آموزشی ارتباط خانه و مدرسه:

- ۱- ایجاد و تقویت روحیه تعامل در دانش آموز با حضور والدین
- ۲- فراهم شدن زمینه شناخت بیشتر از جنبه های شخصیتی و اجتماعی دانش آموز برای مدرسه
- ۳- بررسی میزان فعالیت ها و مشارکت دانش آموز در مدرسه توسط والدین
- ۴- نظارت بر وضعیت تحصیلی، بهبود بخشیدن آن و جلوگیری از بروز شرایط کاهش عملکرد و پیشرفت تحصیلی
- ۵- شناخت والدین از تعاملات اجتماعی فرزندانشان
- ۶- جلوگیری از بروز انحرافات اخلاقی و اجتماعی
- ۷- ایجاد زمینه سلامت روانی دانش آموز و تعاملات اجتماعی صحیح تر او
- ۸- ایجاد زمینه پیشرفت تحصیلی و بهبود عملکرد دانش آموز
- ۹- اصلاح روشهای تربیتی خانواده برای بهبود وضعیت روانی تحصیلی او
- ۱۰- کاهش مشکلات فراروی والدین در ارتباط با خانواده و فرزندان
- ۱۱- کمک به تصحیح ذهنیت های منفی و تخریبی دانش آموز نسبت به بزرگسالان و جامعه
- ۱۲- شناخت بهتر و بیشتر مدرسه از دانش آموز و وضعیت خانوادگی او
- ۱۳- تقویت خودباوری و اعتماد به نفس ضعیف این دانش آموزان
- ۱۴- حفظ و همسویی روشهای تربیتی خانه و مدرسه و جلوگیری از تضاد و دوگانگی رفتاری در دانش آموزان

مدرسه میتواند با دریافت اطلاعات والدین در مورد فرزندانشان با وضعیت روحی و جسمی آنان آشنا شود و برنامه و روش مناسب را برای جهت دهی آنها به سمت درس و بروز رفتارهای مطلوب اتخاذ کند. در سایه تداوم ارتباط والدین و مربیان است که رفتارهای ناپهناج و شرایط نامطلوب آموزشی دانش آموزان بهبود خواهد یافت و محیط آموزشی محیطی امن و همراه با همدلی و همکاری خواهد بود. یاری گرفتن اولیاء از مدرسه نیز موجب شناخت بیشتر آنها از توان علمی آموزشی و وضعیت تربیتی فرزندانشان می گردد با برقراری ارتباط آگاهانه با مدرسه می توانند اقدامات لازم را جهت رشد و کمال فرزندانشان انجام دهند و با مدرسه هماهنگ تر عمل نمایند و این ضرورتی است که نباید از آن غفلت کرد و گر نه زمان، طعم تلخ پشیمانی را به همه ما خواهد چشاند.

پژوهش ها نشان می دهد ارتباط مستمر اولیاء دانش آموزان با اولیاء مدرسه اثرات مثبتی به این شرح به دنبال دارد:



- الف- افزایش موفقیت تحصیلی دانش آموزان با کسب نمرات بالا، موفقیت در آزمون‌های مختلف به ویژه آزمون‌های سنجش هوش و استعداد تحصیلی و در نهایت رشد و بالندگی شخصیتی دانش‌آموز.
- ب- علاقه به درس و مدرسه و توجه دقیق به مسائل آموزشی- تربیتی از سوی دانش‌آموز.
- ج- افزایش چشمگیر انگیزه دانش‌آموز برای فراگیری مباحث درسی و به دنبال آن کاهش خطر ترک تحصیل دانش‌آموز.
- د- کاهش چشمگیر امکان روی آوردن دانش‌آموز به مواد مخدر، سیگار، قرص‌های روان گردان و ... در سن بلوغ و پس از آن.
- ه- تعادل رفتار کودک و جلوگیری از بروز رفتارهای نابهنجار به ویژه بیش فعالی در کودکان.

اصول برقراری رابطه با اولیا دانش آموزان

- ۱- اصل انسجام : یعنی این که اعضای هر گروه تکالیف خود را مشخص کرده باشند و بدان عمل کنند و نسبت به حقوق یکدیگر احترام بگذارند ، یعنی ارتباط اصولی میان اعضا برقرار باشد.
- ۲- اصل اعتقاد به ارتباط : خانواده نسبت به ارتباط و اثرهای آن اعتقاد داشته باشد و تربیت را حاصل ارتباط با مدرسه بداند.
- ۳- اصل مطلع بودن : یعنی مدرسه از اوضاع و احوال خانواده و از ضوابط و مقررات و آیین نامه های مدرسه مطلع باشد.
- ۴- حفظ حرمت و احترام : حرمت هر کس در هر شرایطی باید حفظ شود . مدرسه و خانه باید دارای رابطه ی متقابل و احترام آمیز باشند.
- ۵- اصل استمرار : ارتباط های موردی ، مشکل را حل نمی کند ، استمرار است که ارتباط را نافذ می سازد.
- ۶- اصل سازگاری و انتقاد گری : ما نباید انتظار داشته باشیم که دیگران تمام حرفهای ما را تایید کنند و با همه ی حرف های ما هماهنگ باشند.
- ۷- اصل خوب شنیدن و خوب گفتن : مراد از خوب گفتن ، صریح و روشن و مؤدبانه حرف زدن است . اگر اولیا و مربیان خوب گفتن و خوب شنیدن را در ارتباط میان خانه و مدرسه مراعات کنند ، انجمن های اولیا و مربیان به مراتب موفق تر خواهند بود.
- ۸- اصل زمینه یابی در ارتباط : انسان عاقل علت بین است و غیر عاقل به معلول توجه دارد . یعنی اولیا و مربیان در ارتباط با یکدیگر باید علت نگر باشندو به علل رفتارهای متقابل توجه کنند ، تا این ارتباط اثر بخش باشد.



۹- اصل ارزشیابی : باید اهل ارزشیابی باشیم . از آن جا که با شرایط و اوضاع خو گرفته ایم ، مایلیم همه چیز همان گونه که هست باقی بماند . ارزشیابی سبب می شود که در مورد خود و رفتارمان بیندیشیم و وضعمان را اصلاح کنیم .

۱۰- اصل اعتماد متقابل : مدرسه و معلمان باید نگهدارنده ی اسرار مردم باشند تا مورد اطمینان و اعتماد قرار بگیرند و خدای ناکرده از اسرار خانواده سوء استفاده نکنند

۱۱- اصل تعامل چهره به چهره : در این ارتباط مسائل و مشکلات به راحتی مطرح می شوند و راه حل های مناسب نیز ارائه می گردند . یک گفت و گوی چهره به چهره ی مناسب سبب می شود اکثر مسائل فی مابین حل شود. (صفری ، ۱۳۹۲)

زمینه های مشارکت والدین در امر تعلیم و تربیت

۱- مشارکت در زمینه ی کمک به تحقق اهداف آموزشی و تربیتی

توسعه مشارکت مردم در آموزش و پرورش یک اصل پذیرفته شده است. البته این مشارکت می تواند به طرق گوناگون انجام پذیرد. شاید اولین مورد در امر آموزش و پرورش که فوراً به ذهن متبادر می گردد مشارکت مادی آنها در این امر مهم باشد. لکن گرچه این نوع مشارکت پسندیده و حتی لازم است اما اهمیت آن به اندازه سهم والدین در کمک به تحقق هدف های آموزش و پرورش نیست.

۲ . مشارکت در تصمیم گیری مربوط به مدرسه و دانش آموزان

بزرگان دین مبین اسلام و از آن جمله مولای متقیان مشورت را پشتوانه ای منحصر به فرد برای انسان می دانند. در قرآن کریم هم بارها به مردم توصیه شده است که در امورشان به مشورت پردازند ((و مشاور هم فی الامر)) یا ((امرهم شورا بینهم)) (قرآن کریم - سوره ی شوری)

یکی از مهم ترین زمینه های مشارکت والدین در امر تصمیم گیری برای نحوه ی اداره مدرسه می باشد. اولیا با تشکیل انجمن اولیا و مربیان و به دعوت مدیر مدرسه می توانند او را در اتخاذ تصمیم گیری مدرسه ... مشارکت داشته اند ، برای تحقق و اجرای تصمیمات گرفته شده از هیچ تلاشی دریغ نمی کنند و در نتیجه در عواقب تصمیمات مزبور خود را شریک می دانند. این بدان معناست که چنانچه نتایج مطلوبی به بار آمد تشویق شده و به این کار ادامه خواهند داد و اگر حاصل این تصمیمات نامطلوب بود صرفاً به سرزنش اولیای مدرسه نمی پردازند. در حقیقت زمانی که صحبت از تصمیم گیری در مورد فرزندان خود در میان باشد کسی اولی تر از خود والدین نمی باشد. (صفایی ، ۱۳۸۷)



۳. مشارکت در تعیین اهداف آموزش و پرورش

از آنجا که والدین به طور ملموس با مشکلات و مسائل فرزندان دانش آموز خود سر و کار دارند بیشتر از هر کس دیگری می توانند در زمینه ی هدف های آموزش و پرورش اظهار نظر کنند. به عبارت دیگر در تعیین اهداف آموزش و پرورش اولیا می توانند نقش به سزایی ایفا نمایند و در این زمینه مشارکت فعال داشته باشند.

۴. مشارکت در تعیین رهبران آموزشی

همان طور که دربند دو متذکر گردید چنانچه گروهی برای امر خاصی تصمیم گیری نمایند ، نتایج مطلوب یا نامطلوب حاصل از آن تصمیم گیری را تقبل کرده و برای تحقق آن تصمیمات تلاش می نمایند. اولیا نیز می توانند در امر انتخاب مدیر مشارکت داشته باشند. البته این امر اکنون به طور غیر مستقیم و غیر مستقیم است لکن چنانچه از طریق مراجع قانونی چنین اختیاری به اولیا داده شود ، آنگاه در جهت اداره مدرسه پی گیری های بیشتری خواهند کرد و خود را ملزم به تحقق اهداف مدرسه در جهت تعلیم و تربیت فرزندان خویش می دانند.

۵. مشارکت والدین در امر تمرین علمی برای پرورش شهروند

نقش خانواده در پرورش اجتماعی و ایجاد فرهنگ مناسب برای زندگی در جامعه مدنی و پرورش روحیه ی شهروندی بسیار حیاتی است. تحقیقات نشان داده است که تا سنین دوازده سالگی رشد اجتماعی کودکان و نوجوانان صرفاً محدود به چرخه ی خانواده است (شیخی ، ۱۳۷۸) از بین بردن روحیه ی جزم اندیشی و استبدادی ، به فراموشی سپردن روحیه ی تملق و چاپلوسی ، ترویج مدارا و سعه ی صدر ، کاهش مناسبات پدر سالاری و جلوگیری از نفوذ آن به مدرسه ، از بین بردن نقض قوانین و عدم استفاده از روابط شخصی و جایگزین ضوابط قانونی ، به مثابه روزانه هایی است که می توان از آن به عنوان تمرین عملی برای پرورش شهروند یاد نمود.

۶. مشارکت اولیا در گذراندن اوقات فراغت فرزندان

به دلیل تلاش و کوششی که افراد در اجرای برنامه خود به عمل می آورند، دچار خستگی و فشارهای روحی و جسمی می گردند. برای برطرف نمودن این خستگی و فشارهای نیاز به اوقاتی هست تا خارج از برنامه به فعالیت های تفریحی بپردازند. این نوع فعالیت که فرد خارج از اشتغال سپری می کند اوقات فراغت نامیده می شود. حال چگونگی گذراندن اوقات فراغت خود مسأله ای است حائز اهمیت. هم مدرسه و هم خانواده در این مسیر دارای مسؤولیت هستند. شرکت در اردوهای تفریحی - آموزشی شرکت در کلاس هاس زبان و نقاشی ، کمک به رشد مهارت های مذهبی از قبیل توانایی در قرائت یا حفظ قرآن مجید و انجام فرائض دینی و زندگی در طبیعت ، هم به جهت لذت جویی از مواهب آن و هم به جهت تفکر در آفرینش هستی و عظمت آفریدگار آن بخشی از فعالیت هایی است که می توان به کمک نهادهای گوناگون از جمله آموزش و پرورش و خانواده ها انجام پذیرد.



۷. مشارکت خانواده در ایجاد تفکر خلاق در دانش آموزان

فرآیند آموزش و پرورش می تواند تفکر خلاق را پرورش دهد و افرادی کاوشگر ، آفریننده ، مشکل گشا نوآور ، مولد و عامل تغییرات را تربیت کند. مدرسه به عنوان واحد عملیاتی نظام آموزش می تواند قدرت اندیشه و مهارت های ذهنی دانش آموزان را آن چنان تقویت کند که به راحتی بتوانند برای دست یافتن به راه حل های مناسب و واقع بینانه به خلق ایده های نو پردازند. (میر کمالی ۱۳۷۸) فرد خلاق کسی است به دنبال چراهای مسائل می گردد. او بدان تفکر پاسخ ها را نمی پذیرد. متأسفانه در آموزش و پرورش ما ((اصل قطعیت)) حاکم است. یعنی برای هر پرسش تنها یک پاسخ درست وجود دارد و بقیه پاسخ ها نادرست است. یکی از مشکلات مدارس ما این است که تنها بر محفوظات تکیه دارد که از نظر سطح آموزش در حیطه شناختی آن هم در سطح های اول و دوم طبقه بندی بلوم قرار می گیرد. در این میان معلمان و صد البته خانواده می تواند در جهت ایجاد تفکر خلاق در دانش آموزان مفید واقع شوند. تا آن جا که ممکن است به دانش آموزان فرصت دهند خود بدنبال پاسخ مسائل برآیند حتی اگر به پاسخ نادرست می رسند ارزشمند است

۸. مشارکت والدین در تشویق و ترغیب دانش آموزان

« انسان در هر مرحله از زندگی خود دوست دارد مورد تشویق دیگران قرار گیرد. علت این امر را روان شناسان به سرنوشت و فطرت او مربوط می دانند. » (قائمی ، ۱۳۷۵ ، ص ۲۱۸) این تأیید یا تشویق بهتر است از سوی والدین و مربیان صورت گیرد. زیرا کودک به سوی کسی جلب می شود که او را مورد تشویق قرار داده است. تشویق و ترغیب فواید مهمی به دنبال دارد که از جمله آنها می توان به رغبت به کار و تلاش و مطالعه باعث تکرار رفتارهای پسندیده به کارانداختن ابتکار و خلاقیت شادابی و نشاط و سبب جرأت و شهامت می گردد. این تشویق هم به صورت مادی و هم به صورت معنوی از سوی والدین و معلمان امکان پذیر است.

۹. مشارکت خانواده و مدرسه در چاره جویی برای رفع عقب ماندگی درسی

یکی از معضلات پیش روی معلمان و اولیا چگونگی مواجه با فراگیرانی است که با وجود داشتن بهره ی هوشی متوسط یا بالا از درس و برنامه ی تحصیلی خود عقب می مانند. بسیاری از مربیان و والدین در برابر کودکان عقب افتاده از درس ، موضوع رها کردن یا تنبیه را پیش می گیرند که به نظر می رسد موضع صحیحی نباشد. در این مورد بهتر است قبل از هر گونه پیش داورى به دنبال علل عقب افتادگی درسی بود و آنگاه درصدد یافتن راهی برای آن برآمد. باید دید آیا اختلاف والدین ، رفتار و روش معلم ، تنبیه های بی مورد ، استهزا ، تهدید ، علل عاطفی و یا عوامل دیگر سبب این معضل شده است و در این میان اولیای مدرسه به خصوص افراد خانواده که شناخت بهتری از فرزندان دارند می توانند کمک شایانی ارائه دهند. مثلاً برای جبران عقب ماندگی فراگیر برای او برنامه ریزی شود که در روز چند ساعت و چه مواقعی و هر ساعت چه مقدار از دروس با نظارت و کنترل والدین خوانده شود ، آنگاه با ایجاد و تقویت انگیزه ، زمینه را برای جبران عقب ماندگی و پیشرفت تحصیلی مهیا ساخت .



نتیجه گیری

عمده ترین هدف مدرسه، هدایت تحصیلی دانش آموزان در مسیری است که با پیمودن آن، نیازهای جامعه از یک سو و نیازهای فردی دانش آموزان، از سوی دیگر برطرف می شوند. مسئولان وزارت آموزش و پرورش برای هماهنگ ساختن برنامه های آموزشی با ویژگی های شخص دانش آموزان و نیازها و مقتضیات جامعه، بخشی از فرآیند برنامه آموزشی را به هدایت تحصیلی اختصاص داده اند و بر این باورند که از طریق اجرای طرح هدایت تحصیلی، می توان به راهنمای تحصیلی شایسته دست یافت و هدف مطلوب نظام آموزشی کنونی را تحقق بخشید، خانواده اولین و مهمترین نهاد اجتماعی است که در جامعه پذیری و تربیت اجتماعی فرزندان نقش اساسی ایفا می کند در میان همه سازمان ها و نهادهای اجتماعی خانواده از جایگاه و مرتبه خاصی برخوردار است و به عنوان عامل اصلی القای ارزش ها و هنجارها شناخته شده که در رشد و تکامل شخصیت فرزندان تأثیرات عمده ای دارد.

همکاری خانه و مدرسه در فعالیت هایی که مکمل یکدیگر باشند، منجر به رشد همه جانبه ی کودک خواهد شد. لکن اگر این فعالیت ها به طور موازی باشند و هر یک به گونه ای متفاوت راه خویش را پیمایند، حاصل اعمال آنان به نوعی روان گسیختگی منتهی خواهد شد. از آنجا که ارزش های نسل جدید با ارزش های گذشتگان خود در حال فاصله گرفتن است، بی تردید فضای عاطفی خانواده تحت تأثیر این تقابل ارزشی تغییراتی را شاهد خواهد بود. خانواده به عنوان یک نهاد اولیه می تواند به پرورش انسان هایی کمک کند که بتوانند در یک جامعه ی چند فرهنگی به هم زیستی و حیات بپردازند. آنچه فرد را از خاک به افلاک سیر می دهد از طریق کیمیای تعلیم و تربیت عملی می شود و جوهره این حرکت مبتنی بر اخلاق تبلور می یابد

پیشنهادهات

با توجه به یافته های پژوهش پیشنهادات زیر قابل طرح می باشند :

۱. به منظور فراهم نمودن زمینه ی مشارکت بیشتر اولیای دانش آموزان می باید در آیین نامه اجرایی مدارس اختیارات بیشتری به انجمن اولیا داده شود.
۲. مدیران مدارس می باید نسبت به نقش مشارکت اولیای دانش آموزان در بیشتر اهداف واحدهای آموزشی توجه گردند تا خود مدیران امر مشارکت اولیا را تسهیل نمایند.
۳. مشارکت، بستر فرهنگی و اجتماعی مناسب می طلبد، از این رو ضرورت دارد دولت در برنامه های توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود به این امر توجه کند، و در جهت نهادینه نمودن فرهنگ مشارکت در جامعه تلاش کند.
۴. اولیای دانش آموزان و مردم از اهمیت مشارکت و نقش آن در پیشبرد آموزش و پرورش آگاهی لازم را ندارند، ضرورت دارد وزارت آموزش و پرورش با همکاری رسانه های گروهی به ویژه صدا و سیما برنامه های کوتاه مدت و بلند مدت در این زمینه تدارک ببیند.

منابع



قرآن کریم

ایلینگورث، رونالد (۱۳۷۲)، کودک و مدرسه، ترجمه شکوه نوابی نژاد، تهران، انتشارات رشد.

آربزی، محسن؛ ۱۳۹۹، نقش والدین در امور تحصیلی فرزندان، <https://www.roshdmag.ir/fa/article/25499>

بام، نازیلا و ابراهیمی، هیمین و فلاحی، جواد، ۱۳۹۷، تحلیلی بر نقش ارتباط خانواده و مدرسه در پیشبرد اهداف آموزشی و پیشگیری از مشکلات تربیتی و تحصیلی دانش آموزان، چهارمین همایش بین المللی افق های نوین در علوم تربیتی، روانشناسی و آسیب های اجتماعی، تهران

تقی زاده، علیرضا. (۱۳۹۵). نقش اولیا در پیشبرد اهداف آموزش و پرورش کودکان در مقطع ابتدایی. کنگره علوم اسلامی، علوم انسانی. رحمت زهی، خدا نظر؛ شیرازی، نسترن؛ شهرکی، شهیده؛ حاجی قاسمی سر یزدی، ریحانه؛ شاهخواه، الهه؛ ۱۳۹۸، نقش ارتباط خانواده و مدرسه در پیشبرد اهداف آموزشی و پیشگیری از مشکلات تربیتی و تحصیلی، نشریه رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی، جلد دوم، ص ۱۱ - ۱

شیخی، محمد تقی، ۱۳۷۸، تغییرات ارزشی - فرهنگی

صفری، ۱۳۹۲، بررسی راهکارهای پیوند روابط خانه، مدرسه، <http://mahestan56.blogfa.com/post/128>

صفایی، محمدحسین؛ ۱۳۸۷، زمینه های مشارکت خانواده در آموزش و پرورش، <http://karshenasi-ebtedaee.blogfa.com/post/97>

عطاران، محمد، ۱۳۶۶، نظریات علمای بزرگ مسلمان در باب تربیت کودک، ویژه نامه تابستان تربیت

قائمى، ۱۳۷۵ ((خانواده و مسائل مدرسه ای کودکان)) تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.

محسنی، ن.، حسینی، م.ع. و قورچیان، ن.ق. (۱۴۰۰). بررسی ارائه مدل ارتقاء تعامل مدرسه و خانواده در پیشگیری از سوء رفتارهای اجتماعی نوجوانان (از دیدگاه معلمان و مدیران مدارس شهر تهران) دوفصلنامه مطالعات روانشناختی نوجوان و جوان، ۲ (۲)، ۲۳۷ - ۲۲۶
میرکمالی، محمد. (۱۳۷۸). تفکر خلاق و باروری آن در سازمانهای آموزشی، مجله روانشناسی و علوم تربیتی، شماره ۵۹، ۱۲۰ - ۹۹

Gonzalez, D., Alyssa, R., Williems, P., Doan, H. M. (2005). Examining the relationship between parental involvement and student motivation, Educational psychology review, Vol. 17, No. 3.

Jeynes, William, M. (2003). The effect of parental involvement on minority children's academic achievement, Education and urban society, Vol.35, No. 2, pp 202 - 218 .